



خاک‌های آلوده

چهارشنبه گذشته، (۱۴ آذرماه و پنجم دسامبر)، «روز جهانی خاک» بود. شاید در نگاه اول این طور به نظر برسد که کشور ما در حوزه خاک هیچ مشکلی ندارد اما واقعیتی که کمتر بدان پرداخته شده آن است که گرچه هنوز خاک مثل آب عامل محدودکننده‌ای برای توسعه در کشور به حساب نمی‌آید اما اگر روند کنونی در بهره‌برداری از این عنصر حیاتی طی شود و هیچ تدبیر حفاظتی اتخاذ نشود، وضعیت خاک هم مشابه آب بحرانی می‌شود.

زنگ خطر آلودگی خاک از طریق سموم کشاورزی به صدا درآمده است و می‌توان گفت: فلزات سنگین باقیمانده در مواد غذایی که ناشی از سموم دفع آفات‌اند، مهم‌ترین علت ابتلا به انواع سرطان شده‌اند.

ایستا این هشدارها را از قول علی مریدی – مدیر کل دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست منتشر کرده و در گفت و گو با وی، اعلام داشته: خاک در کنار دو عنصر آب و هوا، حیات را می‌سازد، اما متأسفانه در کشور ما همیشه به «خاک» و ضرورت حفاظت از آن

سنگین باقیمانده در مواد غذایی است.

فلزات سنگین در محصولات کشاورزی

حال این سوال مطرح است که آیا اطلاعات و آمار دقیقی در مورد باقیمانده فلزات سنگین در محصولات کشاورزی در دسترس است و آیا سازمان حفاظت محیط زیست در این زمینه مطالعه‌ای داشته است؟ مریدی در پاسخ به این پرسش گفته است: این موضوع در کارگروه امنیت غذایی با حضور سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت بهداشت پیگیری می‌شود. روند بررسی‌ها بدین شکل است که از محصولات کشاورزی نقاط مختلف کشور، نمونه‌برداری می‌شود. نتیجه همین مطالعات نشان می‌دهد که سموم و فلزات سنگین باقیمانده در محصولات غذایی بیش از حد استاندارد و نگران‌کننده است؛ چون این گزارشات پراکنده و محرم‌انه است، من اطلاعات دقیقی از جزئیات آن ندارم.

انتقادات بسیاری به وضعیت کشاورزی کشور وارد است و به دلیل مصرف بی‌رویه کود و سموم در حوزه کشاورزی اکولوژیک و پایدار، وضعیت مناسبی نداریم. البته وزارت جهاد کشاورزی سعی دارد به سمت کشاورزی اکولوژیک و محصولات ارگانیک پیش رود تا باقیمانده سموم در محصولات غذایی به حداقل ممکن برسد و کمترین مخاطره را برای سلامت انسان داشته باشد.

همچنین بررسی آماری بین الگوی غذایی و باقیمانده مواد خطرناک در محصولات غذایی خیلی جدی گرفته نشده است، درحالی‌که باید مطالعات گسترده‌ای در این زمینه صورت گیرد. به هر حال آلودگی خاک علیرغم غیرقابل مشاهده بودن می‌تواند به شدت خطرناک باشد.

پیش از این کیوان غیبی – کارشناس مسئول ثبت سرطان استان کرمانشاه – نیز با اشاره به شیوع سرطان دستگاه گوارش در کشور در دهه‌های اخیر، یکی از دلایل شیوع این نوع سرطان را استفاده بی‌رویه از سموم و کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی مطرح کرده و گفته بود که این سموم شیمیایی در طبیعت به‌آسانی تجزیه نمی‌شوند و به اندازه کم یا زیاد در خاک، آب، محصولات کشاورزی، گوشت و شیر حیوانات، سپس در بدن انسان ذخیره می‌شوند و بیماری‌هایی چون انواع سرطان، معلولیت‌های جسمی و ذهنی مادرزادی، حساسیت‌ها، بیماری‌های عصبی و حتی نازایی و سقط جنین در زنان و عقیمی در مردان را ایجاد می‌کنند. همچنین محمد حقانی – رئیس کمیته محیط زیست دوره چهارم شورای اسلامی – اعلام کرده بود که در شهر تهران فلزات سنگین همچون سرب، نیکل و کروم وارد خاک و گیاهان و از آن طریق وارد زنجیره غذایی انسان و حیوانات می‌شوند. این آلاینده‌ها آثار مخربی بر جاندارانی که در چنین مناطقی زندگی می‌کنند، بر جای می‌گذارند و این اثر در انسان‌ها به مراتب بیشتر است.

گردشگری ومحیط زیست

هیچ شهری مثل تهران این تعداد موزه را در خودش جای نداده و به همین دلیل می‌توان به تهران لقب «شهر موزه‌ها» را داد.

از سوی دیگر درست است که موزه‌گردی در ایران و تهران چندان محبوب نیست، اما در پایتخت موزه‌هایی وجود دارند که به یک بار دیدن می‌ارزند.

ایستنا در همین راستا گزارش زیر را از موزه‌های تهران ارائه داده است.

موزه آبگینه

موزه آبگینه، یکی از پرطرفدارترین موزه‌های تهران است و در سسال بیش از ۲میلیون نفر از آن دیدن می‌کنند. این موزه، خانه‌ای است مربوط به دوره قاجار. زمانی بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ که قوام‌السلطنه، سیاستمدار و نخست وزیر اواخر دوران قاجار و روزگار پهلوی در این خانه به کارهای حکومت سر و سامان می‌داد. اما حالا می‌توان در طبقات و تالارهای این خانه گشت و شیشه‌ها و سفال‌های مربوط به دوره‌های مختلف را دید. این موزه در خیابان سی‌تیر قرار دارد. همه روزهای هفته به جز دوشنبه‌ها از ساعت ۹ صبح تا ۵ عصر می‌توان به دیدن موزه آبگینه رفت.

موزه فرش

موزه فرش ایران در خیابان کارگر شمالی و تقاطع فاطمی واقع شده است. ساختمان این موزه در دل باغی پر دار و درخت است و همین موضوع یکی از دلایل جذابیتش محسوب می‌شود. در طبقه اول موزه فرش، ۱۳۵قطعه قالی و گلیم از قرن نهم تا دوره معاصر و از شهرهای آستان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان و کردستان به نمایش درآمده است و طبقه دوم آن هم به نمایشگاه‌های دائمی و فصلی اختصاص دارد. در اطراف این موزه جاهای دیدنی‌ای مثل موزه هنرهای معاصر، پارک لاله و بازارچه این پارک می‌تواند برای هر گردشگری جذاب باشد. همه روزهای هفته به جز دوشنبه‌ها، از ساعت ۹صبح تا ۶بعدازظهر می‌توان از این موزه دیدن کرد.

کاخ موزه گلستان

کاخ موزه گلستان، در صدر بهترین موزه‌های تهران قرار دارد. بر طبق آمار اعلام شده فقط در روز نخست فروردین‌ماه ۹۷، ۱۶هزار و ۴۲۶بازدیدکننده ایرانی و خارجی از این کاخ و ۱۴موزه آن دیدن کردند. کاخ گلستان محل حکومت سلسله قاجار بوده و جزو آثار جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده است. «تخت مرمر» که در تالار آینه واقع شده و

«شمس‌العماره» که ساعت آن توسط ملکه ویکتوریا به ناصرالدین شاه اهدا شده، از جاهای دیدنی در کاخ موزه گلستان است. دیواره‌های کاشی کاری شده این کاخ هم برای نصب عکس‌های سلطنتی ساخته شده‌اند. کاخ گلستان در میدان ۱۵خرداد قرار گرفته است. ساعت بازدید از کاخ گلستان در ۶ماه اول سال ۱۷تا ۹و در ۶ماه دوم سال ۱۶ تا ۹است.

موزه جواهرات

موزه جواهرات محبوب‌ترین جاذبه گردشگری تهران به حساب می‌آیسد. در موزه جواهرات که بنای آن یک هزار متر زیر بنا دارد، در ابتدا فقط زیورآلات و جواهرات دوره صفویه، زندیه، افشاریه، قاجاریه و دوره اول پهلوی نگهداری می‌شدند تا اینکه بعد از انقلاب، در سال ۶۹جواهرات و مرواریدهای زمان پهلوی دوم نیز به موزه اضافه و درهایش به روی بازدیدکنندگان گشوده شد. حالا بخش پهلوی کامل شده است و جواهرات، تاج‌ها و نیم تاج‌هایی که محمدرضا شاه پهلوی و فرح دیبا در جشن‌ها و دید و بازدیدها بر سر می گذاشتند هم وجود دارد.

موزه جواهرات در زیرزمین بانک مرکزی در خیابان فردوسی تهران و مقابل سفارت ترکیه واقع است. از شنبه تا چهارشنبه و از ساعت ۱۴تا



شغلی برای افراد به‌واسطه ایجاد پیوندهای آشنایی بین افراد در هنگام سفر و حتی با دانشگاهیان مقصد منجر بشود. از این نگاه، گردشگری دانشگاهی به مثابه سیاست فرهنگی، از یکسو از گردشگری برای توسعه فضای فرهنگی دانشگاهیان مردم محلی استفاده می‌کند و از سوی دیگر از فرهنگ به مثابه یک انگیزه و محرک برای سفر در میان دانشجویان و دانشگاهیان. خود این موضوع یک چرخه عظیم چرخش و توزیع فرهنگ در کشور را ایجاد خواهد کرد که می‌تواند فرصتی باشد برای ایجاد جشن‌ها و جشنواره‌های فرهنگی محلی و جذب گردشگران. مساله اصلی آنست که نظام آموزش عالی و سیاستگذاری فرهنگی ما و حتی نظام سیاستگذاری گردشگری در کشور ما باید این فرصت و امکان را هم از نظر زیرساخت و هم از نظر مشرتیان بالقوه در محاسبات خویش وارد کند. شاید این بی‌رونتی اقتصادی، محرک‌های ذهنی کافی برای عقلانیت در نظام‌های سیاستگذاری فرهنگی و گردشگری دانشگاهی را فراهم کند.

اهمیت سفرهای فرهنگی

توسعه گردشگری دانشگاهی به‌عنوان یک سیاست فرهنگی، مستلزم همکاری نهادهای دانشگاهی با مراکز و نهادهای محلی پیرامونی خودشان است. متأسفانه رخدادهای فرهنگی از جمله اردوها، به جز در قالب‌های محدود مقبول، در سایر الگوها نه تنها مشروعیت ندارند بلکه با ممانعت هم روبرو می‌شوند. این امر مستلزم بازاندیشی نظام آموزش عالی درباره الگوهای سیاستگذاری فرهنگی و نقش و اهمیت سفرهای فرهنگی دانشگاهی به‌عنوان فرصتی برای توسعه اجتماعی و فرهنگی جامعه دانشگاهی است. از این منظر، اسناد بالادستی وزارت علوم و نهادهای دانشگاهی، نه تنها اردوها و سفرها را مورد توجه خاص قرار نداده، بلکه این موضوعات در حوزه‌های فرعی و گاه ددرسسازی که باید کنار گذاشته شود، مورد توجه بوده‌اند.

مساله اصلی آنست که چالش فرهنگی وزارت علوم و نهادهای دانشگاهی بر سر مساله فرهنگ با نهادهای بیرونی و حکمیتی، به عقیم ماندن فرصت‌های گردشگری و توسعه فرهنگی دانشگاهی منجر شده است و لازم است بیشتر و بیشتر مورد بازاندیشی قرار گیرد.

گردشگری دانشگاهی؛ فرصت سیاستگذاری فرهنگی

شده است.

آنچه در این نوشتار بدان تأکید شده، فرصتی است که این نوع گردشگری برای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران هم در سطح گردشگری محلی و هم در سطح گردشگری ملی فراهم کرده است. البته امکانات زیربنایی اولیه، یعنی فضاهای مادی و کالبدی فراوان به‌واسطه ساختمان‌های دانشگاه‌ها در شهرهای ایران و خوابگاه‌ها و حتی امکانات رستورانی آنها یک فرصت زیرساختی آماده و مهیاست که در این باره کمتر بدانها توجه شده است. اما مساله اصلی آنست که نظام دانشگاهی منط و ویژه خود و مهم‌تر از همه تقویم ویژه‌ای دارد که باید بدان توجه کرد.

گردشگری دانشگاهی از این نگاه، نوعی از گردشگری است که انگیزه اصلی گردشگران، اموختن، کشف کردن، تجربه کردن و حتی مصرف کردن امور فرهنگی است که ذینفعان اصلی آن، اعضای نهاد آموزش عالی، از دانشجویان گرفته تا استادان و کارمندان خواهند بود. این گونه از گردشگری به‌واسطه توسعه نهاد آموزش عالی در جهان پیش رو، یکی از فرصت‌های نوین اقتصادی است. گردشگری دانشگاهی در این مفهوم، محدودیت‌ها و فرصت‌های ویژه‌ای دارد.

فرصت‌های گردشگری

کشنگران دانشگاهی بیشتری فرصت‌شان برای گردشگری در ایام تعطیلات دانشگاهی است که در ایران، فاصله‌های میان دو نیمسال، عید نوروز و تابستان خواهد بود. لذا نوعی محدودیت زمانی وجود دارد که حسب اتفاق، این محدودیت در محیط زیست ایران بهترین زمان‌ها برای سفر رفتن است. به‌واسطه گوناگونی و گستردگی نهاد دانشگاه در همه شهرهای ایران (بیش از ۵۰۰ شهر ایران دارای واحد دانشگاهی است)، لزوماً محدود می‌تواند در مسطح کیفی و رفاهی مختلفی تعریف شود، اما با توجه به مخاطبان دانشجویی، می‌بایست هزینه‌های اقتصادی آن را به‌واسطه حجم بالای گردشگران بالقوه پایین آورد و از افزایش شمار گردشگران، درآمد را جبران نمود.

گردشگری دانشگاهی که به‌عنوان یک سیاستگذاری فرهنگی

برای ارتقای کیفی فرهنگ مخاطبان خودش و محیط فرهنگی مقصد طراحی می‌شود، می‌تواند به ثمرات اقتصادی قابل توجهی ختم شود.

جامعه دانشگاهی ایران جمعیتی بالغ بر پنج میلیون نفر را شامل می‌شود که در دو هزار و پانصد واحد دانشگاهی و در بیش از پانصد شهر در ایران توزیع شده‌اند. نهاد آموزش عالی و این جمعیت فعال و توانمند، فرصت کلیدی برای توسعه و ترویج گردشگری به‌طور عام و همچنین گردشگری به‌طور خاص و در قالب مفهوم گردشگری دانشگاهی هستند. گردشگری دانشگاهی، گونه‌ای نوین و در حال رشد از گردشگری در سطح جهانی است که بیشتر جامعه هدف و مخاطبان آن دانشگاهیان هستند.

مجله مهر در مطلبی با همین عنوان ضمن بیان این مقدمه، توضیح داده است:

وقتی از گردشگری دانشگاهی به‌عنوان نوعی سیاستگذاری فرهنگی یاد می‌کنیم، باید به معنای سیاستگذاری فرهنگی دقت کرد. سیاستگذاری فرهنگی، گونه‌ای برنامه‌ریزی، قانون و حتی اقدامات دولتی است که فعالیت‌ها و موضوعاتی را تقویت، تشویق و حتی پشتیبانی مالی می‌کند که منجر به توسعه بخش‌های خلاقانه فرهنگ و هنر و رشد کیفی و کمی در حوزه‌هایی از فرهنگ شود که به زبان، دانش، هنر، تنوع فرهنگی و حتی توسعه فرهنگی مرتبط باشند.

سیاستگذاری‌های فرهنگی می‌تواند در سطح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و حتی یک بخش و شهر هم اجرا شود. از این نگاه می‌توان گردشگری دانشگاهی را به مثابه نوعی از سیاستگذاری فرهنگی برای حوزه آموزش عالی ایران به‌طور ویژه و کلیت جامعه ایران به‌طور عام در نظر گرفت.

با توجه به بخش بودن دانشگاه‌ها در همه شهرهای ایران، می‌توان از خردترین سطح محلی و منطقه‌ای آغاز کرد، به سطح استانی و در نهایت ملی و بین‌المللی رسید. به همین سبب می‌توان دانشگاه را بستری رایج دید که بسیار برای سیاستگذاری‌های فرهنگی دانست، که به خاطر گستره جمعیت‌شناختی و جغرافیایی آن و هم به سبب نقش محوری و کلیدی دانشگاهیان در جامعه و نقش استادان به‌عنوان گروه‌های مرجع.

کدام موزه‌های تهران را باید دید؟



۱۶۰۳می‌توان از آن دیدن کرد.

کاخ سعدآباد

یکی دیگر از موزه‌های تهران، کاخ موزه سعدآباد است که هم خودش دیدنی است و هم موزه‌هایش. سعدآباد در شمال تهران با درخت‌های سر به فلک کشیده و صدای کاخ‌هایش، ۱۸کاخ کوچک و بزرگ از دوره‌های قاجار و پهلوی را در خودش جای داده و با قدم گذاشتن در آنها گوشه‌ای از زندگی شاهان را می‌توان دید.

کاخ سعدآباد در ابتدا کاخ تابستانی شاهان قاجار بود، اما در ۱۲۹۹با افزایش کوشک‌ها و فضای سبز به محل اقامت تابستانی رضاشاه تبدیل شد. بعدها کاخ‌های دیگری هم برای سکونت اعضای خاندان پهلوی در آن ساخته شدند که بعد از انقلاب به موزه تبدیل شدند. حالا کاخ سعدآباد موزه‌هایی دارد که از جذاب‌ترین‌هایش، موزه آشپزخانه سلطنتی، موزه پوشاک سلطنتی، موزه اتومبیل‌های سلطنتی، موزه آب و موزه سلاح‌های دربار و کاخ تابستانی است.

کاخ موزه سعدآباد در خیابان ولی عصر، خیابان شهید فلاحی (زعفرانیه)، انتهای خیابان شهید کمال طاهری قرار گرفته است. نیمه اول سال، همه روزه (شنبه تا جمعه) از ساعت ۱۹ تا ۱۹، فروش بلیت تا ساعت ۱۷ و نیمه دوم سال همه روزه (شنبه تا جمعه) از ساعت ۱۹ تا ۱۷، فروش بلیت تا ساعت ۱۶می‌توان به دیدن این مجموعه رفت.

